

عکس: تهران تایمز

رئیس مرکز امور بین‌الملل سازمان حفاظت محیط زیست از برگزاری کنوانسیون تهران با حضور ۵ کشور خزری می‌گوید

خزر در مرز هشدار لزوم همکاری فراتر از سیاست

گفت و گو

زهرا کشوری / دبیر گروه زیست بوم - دریای کاسپین در یکی از حساس‌ترین مقاطع زیست‌محیطی خود قرار دارد؛ از کاهش شتابان تراز آب و تغییرات اقلیمی گرفته تا آلودگی‌های نفتی و پلاستیکی و تهدید حیات گونه‌هایی مانند فک خزری. با این حال، در هفتمین اجلاس کنوانسیون تهران، پنج کشور ساحلی بار دیگر بر همکاری مشترک برای مواجهه با این بحران‌ها تأکید کردند؛ اجلاسی که آرمان خرسند، رئیس مرکز امور بین‌الملل و کنوانسیون‌های سازمان حفاظت محیط زیست، اعتقاد دارد با وجود سه سال تأخیر و شرایط دشوار منطقه، به یکی از عمل‌گراترین نشست‌های این کنوانسیون تبدیل شد. در این گفت‌وگو، او از توافق کشورهای ساحلی بر برنامه حفاظت از فک خزری، ضرورت تسریع اقدامات برای مقابله با افت تراز آب کاسپین، چالش آلودگی‌های پلاستیکی و همچنین موانع تبادل داده‌های زیست‌محیطی میان کشورهای منطقه می‌گوید؛ مسائلی که آینده این پهنه آبی مشترک را بیش از هر زمان دیگری به همکاری فرامرزی گره زده است.



به‌طور کلی، روند برگزاری این کاپ را از نظر شکل‌گیری همکاری اجرایی و واقعی-نه صرفاً روی کاغذ-میان پنج کشور ساحلی خزر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ابتدا باید به این نکته اشاره کنم که پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تنها دو کشور در دو سوی دریای خزر قرار داشتند. در دوران جنگ سرد، اتحاد جماهیر شوروی یک ابرقدرت بود و در عمل امکان فعالیت گسترده از سوی ما در دریای خزر وجود نداشت. در دوره پهلوی نیز، در سال‌های طولانی‌ای که ایران و اتحاد جماهیر شوروی تنها همسایگان این دریا بودند، امکان حضور ایران فراتر از خط فرضی آستارا-حسین‌قلی چه در بحث کشتیرانی و چه هر فعالیت دیگری وجود نداشت. یکی از پیامدهای فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این بود که به جای دو کشور، تعداد کشورهای اطراف کاسپین به پنج کشور، ایران، روسیه، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان رسید. از زمان سقوط اتحاد جماهیر شوروی تا امروز بسیاری از مباحث مربوط به دریای کاسپین به خاطر پیچیدگی موضوعات، پیشرفت چندانی نسبت به سه دهه گذشته نداشته است. اما حوزه محیط زیست از جمله زمینه‌هایی بود که پنج کشور توانستند در آن نسبتاً زودتر به تفاهم برسند. محیط زیست خیلی تابع مرزهای سیاسی نیست. مسائل دریا هم با توجه به گذشت زمان، تغییرات اقلیمی، کاهش شدید تراز دریای کاسپین و... فزاینده شد. در ۳۰ سال گذشته هم افزایش سطح آب و پیشروی دریا در دهه ۷۰ شمسی و هم پسروی شدید دریا را در سال‌های اخیر داریم. این پسروی در مناطق شمالی که عمق کمتری داشته‌اند، خیلی شدیدتر است تا سمت کشور ما. کنوانسیون تهران در سال ۲۰۰۳ شکل گرفت و در سال ۲۰۰۶ به امضا رسید و اجرایی شد. البته در همین حوزه نیز همچنان چالش‌ها و مسائل متعددی وجود دارد.

کاپ هفت در شرایطی برگزار شد که به‌دلیل مسائل و مشکلاتی، نزدیک به پنج سال از برگزاری کاپ پیشین گذشته بود. اجلاس اعضا در کنوانسیون تهران دوسالانه است و از زمان برگزاری اجلاس قبلی و زمان مقرر برای آن، سه سال تأخیر داشت.

اینکه سرانجام موفق شدیم میزبانی کاپ هفت را برعهده بگیریم، آن هم در شرایطی که منطقه به‌دلیل حضور و اقدامات تجاوزکارانه ایالات متحده و رژیم صهیونیستی از ثبات و آرامش کافی برخوردار نبود، خود دستاورد بزرگی به‌شمار می‌رفت. حضور هیأت‌های چهار کشور دیگر ساحلی در تهران، نشان‌دهنده اعتماد کشورهای همسایه به توانمندی و ثبات جمهوری اسلامی ایران بود. افزون بر این، نمایندگان برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (یونپ) که دبیرخانه موقت کنوانسیون تهران است، نیز در اجلاس حضور داشتند. نفس برگزاری این نشست با مشارکت همه این طرف‌ها اهمیت بسیاری داشت.

کنوانسیون تهران چهار پروتکل اجرایی دارد که سه مورد از آنها به تأیید همه کشورهای عضو رسیده و در حال اجراست. پروتکل عشق‌آباد، درباره تنوع زیستی، هنوز از سوی یکی از کشورها تأیید نهایی نشده است. پروتکل دیگری (پنجم) نیز درباره گستره اطلاعات محیط زیستی و به اشتراک‌گذاری آن‌هاست که همچنان در حال مذاکره است.

یکی از اتفاقات مثبت کاپ تهران، پذیرش طرح جمهوری اسلامی ایران درباره فک خزری به‌عنوان برنامه‌ای اجرایی برای هر پنج کشور بود. فک خزری تنها گونه پستاندار دریای کاسپین است که وضعیت مناسبی ندارد. زیستگاه این گونه در بخش شمالی دریاست و به‌دلایل مختلف، از جمله تغییرات اقلیمی، با تهدید بقا روبه‌رو شده است. تغییرات اقلیمی، زیستگاه‌های طبیعی فک خزری، از جمله مناطق یخبندان شمال دریا و نیز منابع غذایی آن را تحت‌تأثیر قرار داده است. در سال‌های گذشته نیز مرگ و میر گسترده‌ای در میان فک‌های خزری گزارش شده است. بر همین اساس، طرح پیشنهادی ایران برای حفاظت از این گونه مورد پذیرش قرار گرفت. در این اجلاس، بیانیه وزیران تدوین و تصویب شد که از نظر تعداد بندها و مواد، مفصل‌ترین بیانیه در میان کاپ‌های پیشین کنوانسیون تهران بود. این بیانیه، برخلاف بسیاری از بیانیه‌های مشابه، رویکردی کاملاً اجرایی داشت و با بندهایی تفصیلی، به توافق و اجماع هر پنج کشور رسید. در این بیانیه، به برخی پروتکل‌ها و برنامه‌ها نیز پرداخته شد. به‌ویژه این که کشورها توافق کردند درباره برنامه کاهش تراز آب، هرچه سریع‌تر به مرحله نهایی‌سازی و اجرا برسند. موضوع آلودگی پلاستیکی نیز از دیگر محورهای مورد توجه بود. در مجموع، اگر بخواهیم کارنامه کاپ هفت را ارزیابی کنیم، به‌نظر من این اجلاس یکی از عمل‌گراترین و عمل‌محورترین کاپ‌های کنوانسیون تهران بود و خوشبختانه با موفقیت در تهران به پایان رسید.

اشاره کردید که کنوانسیون تهران چهار پروتکل دارد؛ سه پروتکل به تصویب همه کشورها رسیده و اجرایی شده‌اند، اما پروتکل عشق‌آباد هنوز به اجرا درنیامده است. ممکن است درباره این پروتکل‌ها توضیح دهید و بگویید براساس آنها چه اقداماتی باید انجام شود؟

نخستین پروتکل کنوانسیون تهران، پروتکل «آکتائو» است که به آلودگی‌های نفتی و گازی می‌پردازد و اجرایی شده است. پروتکل دیگر، پروتکل «مسکو» است که منابع و فعالیت‌های خشکی‌پایه آلاینده دریا را دربر می‌گیرد. پروتکل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی فرامرزی یا EIA، نیز اجرایی شده است. این سه پروتکل از سوی کشورهای عضو پذیرفته شده‌اند و در حال اجرا هستند .

همان‌طور که اشاره کردم، پروتکل عشق‌آباد هنوز از سوی یکی از کشورها تصویب نشده است. پروتکل پایش ارزیابی و تبادل اطلاعات نیز همچنان در دست مذاکره است. به‌نظرم با توجه به اتفاقاتی که در جریان کاپ ۷ افتاد، همچنین جلساتی مقدماتی که درباره اسناد صورت گرفت، خیلی سریع‌تر شاهد نهایی شدن متن پروتکل پایش، ارزیابی و تبادل اطلاعات خواهیم بود.

با توجه به حضور همه کشورها در اجلاس، آیا درباره سهم هر کشور در آلودگی‌های نفتی و راهکارهای مقابله با آن گفت‌وگو شد؟ آیا کشورهای حاضر توانستند تعارفات سیاسی را کنار بگذارند و بی‌پرده درباره آلودگی‌های خزر -چه آلودگی‌های ناشی از منابع خشکی پایه و چه آلودگی‌های نفتی و گازی- صحبت کنند و برای کاهش آنها راهکارهایی بیابند؟

به نظر من، هر چه چارچوب‌های همکاری تخصصی‌تر و متمرکزتر باشند و به مسائل مشخص یک منطقه بپردازند، دستیابی به پیشرفت در آنها آسان‌تر است؛ بویژه وقتی تعداد کشورها محدود باشد و موضوع همکاری نیز به مسائل و نیازهای همان منطقه مربوط شود. اما کنوانسیون‌ها خیلی محل و ظرفیتی برای مقصریابی نیستند چرا که در این گونه بسترها می‌بایست حتی الامکان اعتمادسازی و فرصت‌سازی برای همکاری در اولویت باشد.

بدین ترتیب هدف مقصریابی نیست، بلکه طرح مسأله و مسأله‌یابی است؟

بله. چارچوب‌های همکاری بین‌المللی، از جمله کنوانسیون تهران، این امکان را فراهم می‌کنند که کشورها مسائل مشترک را شناسایی و درباره آنها گفت‌وگو کنند. برای مثال، کشورهای عضو کنوانسیون تهران توانسته‌اند درباره موضوع مشخصی مانند آلودگی پلاستیکی به توافق برسند، برنامه اجرایی یا پروژه مشترک تعریف کنند و اجرای آن را به صورت مشترک آغاز کنند.

در زمینه‌های دیگر نیز کشورهای عضو کنوانسیون تهران در حال رایزنی با برخی صندوق‌های محیط زیستی، از جمله صندوق جهانی محیط زیست (GEF)، صندوق سازگاری (Adaptation Fund) و صندوق خسارت و زیان (Loss and Damage) هستند تا بتوانند برای اجرای اقدامات مشخص، منابع مالی بیشتری جذب کنند.

در مورد آلودگی‌های دریا، عرض کردم، پروتکل «آکتائو» اولین پروتکلی است که به تصویب کشورها رسیده و در حال اجراست. در حوزه‌های تخصصی‌تر و جزئی‌تر نیز کشورهای عضو در حال فعالیت هستند. با این حال، نمی‌توان از این واقعیت چشم‌پوشی کرد که فوریت مسأله «کاهش سطح آب»، این موضوع را در صدر اولویت‌ها قرار داده و باعث شده کشورها تمرکز بیشتری را بر آن معطوف کنند.

در حال حاضر، نرخ کاهش سطح آب تقریباً به بیش از ۲۰ سانتی‌متر در سال رسیده است. این وضعیت در مناطق شمالی، بویژه با شدت بیشتری مشاهده می‌شود. اگر برای این مسأله چاره‌اندیشی نشود، با فاجعه‌ای مشابه دریاچه آرال در منطقه آسیای میانه مواجه خواهیم شد. بنابراین، در مقطع فعلی، اولویت اصلی کشورها بیش از مدیریت آلودگی‌های نفتی، بر مقابله با مسأله کاهش تراز آب متمرکز شده است.

چقدر فعالیت‌های انسانی روی کاهش سطح آب کاسپین تأثیر داشته است؟

در خصوص موضوع کاهش تراز آب، آنچه متخصصان این حوزه بر آن اتفاق نظر دارند، این است که «تغییرات اقلیمی» بسیار تعیین‌کننده‌تر از آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های مستقیم انسانی (مانند کشتیرانی یا اکتشافات) است.

پسروی کاسپین در کدام ساحل بیشتر است؟

قزاقستان و روسیه. پسروی ساحل در هر چهار کشور بیشتر از ساحل ایران است چون عمق آب به صورت تاریخی و زمین شناسی در سمت ما بیشتر است و شیب دریای کاسپین هم به سمت جنوب یعنی ما قرار دارد.

هر زمان که بحث پسروی کاسپین پیش می‌آید، بحث‌ها درباره عملکرد روسیه روی ولگا و به دنبال آن کاهش سطح آب مطرح می‌شود.

در مورد ولگا و روسیه، قطعاً نکات مهمی وجود دارد. یکی از محورهای بحث در این زمینه، مسأله سدسازی است. باید توجه داشت که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دیگر سدسازی جدیدی در بالادست این رودخانه صورت نگرفت و موضوع عمدتاً مربوط به سدهایی است که از گذشته موجود بوده‌اند.

مسائل مربوط به رودخانه ولگا با وجود پیچیدگی‌های موجود، چندوجهی است؛ برای مثال، این رودخانه بخش‌های زیادی از سال را در وضعیت یخبندان قرار دارد. علاوه بر این، ولگا اکنون به‌شدت تحت‌تأثیر پیامدهای جنگ اوکراین قرار گرفته که این امر به‌طور مستقیم انجام پروژه‌های لایروبی را با دشواری روبه‌رو کرده است. از سوی دیگر، نباید فراموش کرد که ولگا بزرگ‌ترین منبع آب ورودی به دریای کاسپین است و متأسفانه از تمامی این عوامل (جنگ، کاهش بارندگی و یخبندان) تأثیر می‌پذیرد.

با این حال، با وجود تمام این چالش‌ها، تلاش‌ها برای مقابله با این وضعیت همچنان ادامه دارد تا با توجه به فوریت مسأله کاهش تراز آب، اقدامات مؤثرتری صورت گیرد.

> یکی از اتفاقات مثبت کاپ تهران، پذیرش طرح جمهوری اسلامی ایران درباره فک خزری به‌عنوان برنامه‌ای اجرایی برای هر پنج کشور بود. فک خزری تنها گونه پستاندار دریای کاسپین است و وضعیت مناسبی ندارد

طرح جمهوری اسلامی برای حفاظت از فک خزری در کاپ ۷ تأیید شد. درباره آن توضیح دهید.

طرح «فک خزری» را همکاران ما در معاونت دریایی و تالاب‌ها تدوین کرده‌اند. باید بگویم که این طرح در وهله اول بر اساس این واقعیت تدوین شده است که در یک قرن گذشته، ۹۵ درصد جمعیت فک‌های خزری در دریای کاسپین از بین رفته‌اند.

همان‌طور که می‌دانید، اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت (IUCN)، با رایزنی جمهوری اسلامی ایران و سپس کشورهای دیگر منطقه، گونه فک خزری را در فهرست سرخ و در رده گونه‌های در معرض خطر انقراض قرار داده است.

تهدیدهای اصلی فک خزری، آلاینده‌های صنعتی و نفتی هستند. تغییرات اقلیمی نیز به شکل جدی بر زیستگاه این جانوران اثر می‌گذارد. کاهش تراز آب هم از دیگر ریسک‌های اصلی به شمار می‌رود. نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم، بحث صید است. قبلاً در قزاقستان، مانند بسیاری از کشورهای دیگر، صید و شکار جزو سنت‌های آنها بوده؛ چون شکار فک در خشکی راحت اما سرعت فک در آب بسیار بالاست. چند سالی است که قزاقستان شکار فک را ممنوع کرده و یکی از بحث‌هایی که در این طرح عنوان شده، بحث پایش منظم و اعمال ممنوعیت شکار است. یک روش دیگری که باعث از دست رفتن فک خزری می‌شود، گیر کردن فک‌ها در تورهای صیادان است. معمول بود که برای گیج کردن حیوان و جلوگیری از مقاومتش، ضربه‌ای به سرش وارد می‌کردند، حیوان که آرام می‌گرفت او را به دریا برمی‌گرداندند. اما به دلیل ضعف جمجمه، آن ضربه می‌توانست به مرگ فک خزری منجر شود. یکی دیگر از بندهای توافق، نظارت بر صیادی، آموزش، رصد منظم، گشت‌های مشترک، مدیریت بهداشتی و کالبدشکافی لاشه‌ها و... است. معمولاً مرگ‌ومیر فک‌ها در بالادست دریا یعنی در محدوده ساحلی قزاقستان اتفاق می‌افتد و بر اثر جریان آب، جنازه آنها که بعد از دو سه هفته به ایران می‌رسد، دیگر برای مطالعه علمی و مشخص شدن علت مرگ مناسب نیست؛ به همین دلیل یکی از محورهای اصلی، بحث مدیریت بهداشتی و کالبدشکافی علمی برای کشف بیماری‌های احتمالی (مثل بیماری‌های ویروسی) است. موضوع دیگر، دفن اصولی لاشه‌هاست تا از انتشار آلودگی در اکوسیستم و گسترش عوامل ویروسی جلوگیری شود. همچنین تأسیس یک دبیرخانه مشترک بین کشورها و تجهیز مراکز امدادی و پایش، از محورهای اصلی کار است.

گفتید که ایران هم در مورد آلاینده‌های پلاستیکی با همه این کشورها به یک نقطه مشترک رسیده است.

بله. همین الان که با شما صحبت می‌کنم، چند ماهی است که پروژه‌ای با بودجه فدراسیون روسیه، هم در ایران و هم در کشورهای ساحلی دیگر در حال انجام است. البته ما آورده و سهم ملی هم برای انجام این طرح داریم.

الان وضعیت آلودگی پلاستیکی دریای کاسپین به چه صورت است؟

در بحث پلاستیک‌ها، ما در مرحله شناسایی منشأها، محدود کردن آنها و راه‌اندازی طرح‌های تفکیک زباله هستیم تا از ورودشان به دریا جلوگیری کنیم. در حال حاضر چند طرح پایلوت در استان‌های شمالی در حال اجراست.

پس برآورد دقیقی از حجم آلودگی پلاستیکی دریای کاسپین نداریم؟

حتماً دوستان ما در معاونت دریایی، بعد از اجرای طرح، به یک نقطه رسیده‌اند که اطلاعات بیشتر و جزئی‌تری را هم دارند، اما می‌دانید که مسأله زباله به‌طور عام و خاص‌تر یعنی زباله‌های پلاستیکی، یکی از معضلات جدی نوار ساحلی ماست. این موضوع در مازندران و گیلان بسیار حاد است و در گلستان هم دیده می‌شود. باید به این نکته دقت کنید که مازندران و گیلان، گردشگرپذیرترین استان‌های ما هستند و حجم زباله تولیدی توسط مسافران بسیار بیشتر از جمعیت ثابت استان است. در همین دو سال اخیر، با وجود تمام مشکلات و درگیری‌های منطقه، در استان‌های شمالی بویژه مازندران، طرح‌های خوبی برای مدیریت پلاستیک و زباله در حال اجراست. بحث‌هایی مثل تفکیک زباله، جلوگیری از زباله‌سوزی و پیشگیری از نفوذ شیرابه، همگی اینها در پروتکل‌های کنوانسیون تهران پیش‌بینی شده‌اند و قواعد استانداردی را برای مبارزه با آلودگی‌های ساحلی و بازیافت مشخص می‌کنند. رسیدن همه کشورهای حاشیه دریای کاسپین به استانداردی مناسب در خصوص بازیافت، مطابق پروتکل آلودگی‌هایی با منشأ ساحل، حتماً تأثیر بسزایی در وضعیت دریا خواهد داشت.

موضوع مهم این است که امروزه محیط زیست یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های همکاری بین‌المللی است؛ چون مسائل محیط زیستی از مرزهای سیاسی عبور می‌کنند و کشورها تأثیر آنها را به وضوح می‌بینند. سطح همکاری‌ها در این حوزه نسبت به خیلی از کنوانسیون‌های دیگر بسیار پیشروتر است. مثلاً در بحث تغییر اقلیم که بزودی در نشست COP31 در ترکیه برگزار می‌شود، می‌بینیم که هنوز کشورها نتوانسته‌اند درباره گرمایش زمین و سهمی که کشورهای توسعه‌یافته در برابر کشورهای در حال توسعه دارند به توافقات عینی برسند. اما در کل اگر بخواهیم فضای کلی جامعه بین‌الملل را در حال حاضر در نظر بگیریم، قطعاً حوزه همکاری‌های محیط زیستی، حوزه پیشروتری است.

کنوانسیون تهران هم یک چارچوب همکاری برای کشورهای حاشیه کاسپین است و یکی از زمینه‌هایی که فراهم می‌کند این است که کشورها طرح‌های ملی خود را با هم به اشتراک می‌گذارند و هر کشور می‌تواند بخشی از این پازل بزرگ را تکمیل کند. خیلی مهم است که بدانیم مثلاً ترکمنستان یا آذربایجان در مورد آلودگی‌های خشکی چه سیاست‌هایی دارند. یا چطور با ورود آب، میزان آن و آلاینده‌ها به دریا برخورد می‌کنند تا هم از آنها الگو بگیریم و هم الگوهای خودمان را به آنها معرفی کنیم؛ کما اینکه طرح ملی دریای کاسپین را که در سازمان برنامه و بودجه تدوین شده است، با کشورهای حاشیه دریای کاسپین هم به اشتراک گذاشته‌ایم. این نوع همکاری‌ها حتماً تأثیر بیشتری بر سرنوشت کلی و آینده دریای کاسپین خواهد داشت. اما واقعیت تلخ این است که سرعت تخریب‌ها و آسیب‌های بشری به طبیعت، از سرعت این تحولات و همکاری‌ها بسیار بیشتر است. زمانی نه‌چندان دور، وقتی درباره طوفان‌های گرد و غبار صحبت می‌کردیم، صرفاً مسأله منطقه ما (غرب آسیا و شمال آفریقا) بود اما همین چند ماه گذشته خانم اندرسون، دبیر اجرایی یونپ، در سخنرانی خود در برنامه ابتکاری جمهوری اسلامی درباره گرد و غبار در «اجلاس یونیا»، اشاره کرد که برادر او از دانمارک تصاویری برایش ارسال کرده است که نشان‌دهنده آثار طوفان‌های گرد و غبار شمال آفریقا در دانمارک است. یک زمانی هیچ‌کس تصور وجود گرد و غبار را در کشورهای اسکاندیناوی نمی‌کرد؛ ولی الان حس می‌شود. بنابراین ضرورت دارد کشورها فارغ از هر سیاست و نگاهی، برای آینده مشترک بشریت، هم همکاری و هم فعالیت‌های خود را بیشتر کنند. اما متأسفانه در حال حاضر می‌بینید که ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای دنیا، از ابتدای این دولت دیکتاتور و جنایتکار که در کاخ سفید مستقر است، تقریباً از تمام سازوکارهای بین‌المللی محیط زیستی یا خارج شده یا در حال خروج است.

کشورهای حاشیه کاسپین، برنامه‌های ملی خود را در حوزه محیط زیست برای همکاری بیشتر در کاپ به اشتراک می‌گذارند. برنامه‌های ملی که ایران به اشتراک گذاشته است چه هستند؟

برنامه ملی اقدام کاسپین (خزر) برنامه‌ای بسیار جامع است. در واقع یک کتاب قطور است که بخش‌های مختلفی از جمله تنوع زیستی، جنگل‌ها، آب، اقتصاد و تغییرات اقلیمی را پوشش می‌دهد. موضوع اصلی برنامه ملی، وظایف دستگاه‌های مختلف کشور در برابر دریای کاسپین است. پیشنهاد من این است که رسانه رسمی دولت هم این موضوع را دنبال کند. خوب است که سازمان برنامه و بودجه با هدایت خود و همکاری وزارت نیرو، سازمان محیط زیست و وزارت راه و شهرسازی، یک برنامه ارائه مشترک برای رسانه‌ها داشته باشد.

مسئولان محیط زیست کشور آذربایجان گفته‌اند به دنبال تدوین پروتکلی هستند تا کشورهای حاشیه کاسپین بتوانند روی طرح‌های ملی انجام شده در ۵ کشور در دریای کاسپین، از نظر ارزیابی زیست‌محیطی، نظارت داشته باشند. آیا این برنامه مطرح شد؟

در واقع این وظیفه برعهده دبیرخانه خواهد بود. اگرچه در حال حاضر در چارچوب کنوانسیون تهران، سازوکاری برای نظارت بر برنامه‌های ملی و ارزیابی نتایج آنها وجود ندارد، اما انتظار می‌رود با نهایی شدن «پروتکل پنجم» که تمرکزش بر اشتراک‌گذاری داده‌های محیط زیستی است، این مشکل حل شود. تا آن زمان، کشورها موضوعات را در چارچوب دبیرخانه کنوانسیون تهران دنبال می‌کنند. کشورها باید از طریق نشست‌های حضوری یا آنلاین در قالب دبیرخانه، به تبادل اطلاعات ادامه دهند؛ اما اینکه سازوکاری بخواهد بر برنامه‌های ملی نظارت و نتایج آن بر محیط زیست کاسپین را ارزیابی کند، فعلاً چنین سازوکاری در چارچوب کنوانسیون تهران وجود ندارد، اما احتمالاً یکی از خروجی‌های نهایی شدن پروتکل پنجم همین بحث باشد.

فکر می‌کنید کشورهای حاشیه کاسپین موافقت کنند کشور دیگری روی طرح‌های ملی آنها نظارت داشته باشد؟

اگر هر کنوانسیون محیط زیستی را بررسی کنید، می‌بینید که بخش «نظام گزارش‌دهی» جایی است که دولت‌ها بیشترین مقاومت را در برابر آن دارند. این مسأله، مسأله از دست رفتن اعتماد به نهادهای بین‌المللی در طول سال‌هاست. کشورها می‌بینند که ما به‌عنوان عضو سازمان انرژی اتمی، مکرراً بازرسی‌ها را پذیرفتیم، اما در نهایت دیدیم که برخی نهادهای بین‌المللی به جای جلوگیری از تجاوز، به ابزاری برای حمایت از رژیم صهیونیستی و آمریکا تبدیل شدند. همچنین عدم توازن میان منافع کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه، یک مانع جدی در مسیر گزارش‌دهی در همه چارچوب‌های بین‌المللی است. تا زمانی که اعتماد به این سازوکارها وجود نداشته باشد، کشورها به‌خصوص کشورهای در حال توسعه، تمایل چندانی به اشتراک‌گذاری داده‌ها ندارند. برای حل این مشکل، نهادهای بین‌المللی باید ثابت کنند که می‌توانند به وظایف خود بر اساس منشور ملل متحد عمل کنند تا کشورها بتوانند با اطمینان، بخشی از حقوق حاکمیتی خود را به آنها بسپارند.

> پسروی ساحل در هر چهار کشور آذربایجان، روسیه، قزاقستان و ارمنستان بیشتر از ساحل ایران است، چون عمق آب به صورت تاریخی و زمین‌شناسی در سمت ما بیشتر است و شیب دریای کاسپین هم به سمت جنوب یعنی ما قرار دارد



و نکته آخر...

در نهایت، برگزاری اجلاس در تهران، با وجود تمام فشارها و تهدیدها، نشان‌دهنده قدرت دیپلماتیک و ظرفیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه است. این موفقیت مدیون مجاهدت‌های کسانی است که این امنیت و ثبات را در کشوری که مدام تحت تهدید است، ایجاد کردند. همچنین باید از هماهنگی بسیار خوب میان سازمان محیط زیست، وزارت امور خارجه، هم در ستاد و هم در نمایندگی‌های خارج از کشور و دبیرخانه در ژنو تشکر کنم که باعث شد این اجلاس به بهترین شکل برگزار شود.